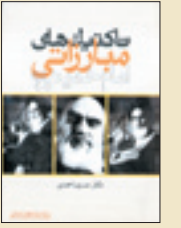


## پیش‌خوان

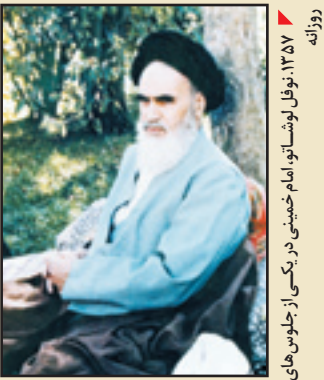
**نظری بر اثر تاریخی – پژوهشی «تاکتیک‌های مبارزاتی امام خمینی»**

## قطره‌ای از دریا

■ **محمدرضا کائینی**



حجم گسترده فضاسازی رسانه‌های معاند در تحریف اندیشه و سیربه رهبر کبیر انقلاب اسلامی، اقتضا دارد که این مهم بیش از گذشته از سوی مراکز تاریخی و اسنادی مورد توجه و پژوهش قرار گیرد. در میان این مؤسسات و در باب این موضوع، به نظر می‌رسد که مرکز اسناد انقلاب اسلامی نسبتاً کامیاب بوده و دراین‌باره، آثاری متنوع را راهی بازار کتاب ساخته است. در زمره عناوین منتشره این مرکز در این مقوله «تاکتیک‌های مبارزاتی امام خمینی» جایگاهی ویژه را به خود اختصاص داده است. دکتر حسین احمدی، نویسنده اثر در دیباچه خویش بر این کتاب، سبک پرداخت موضوع را به شرح ذیل تشریح ساخته است: «بخش اول این نوشته در قالب سه فصل به بررسی ویژگی‌های مهم قیام این مرجع عالیقدر اختصاص یافته است و در این بخش تأثیر تربیت نفس ایشان به‌عنوان یک احیاگر دینی مورد توجه قرار گرفته و کارکرد رهبری وی در سه زمینه تدوین ایدئولوژی، فرمانده مبارزه و بنیانگذاری یک نظام سیاسی جدید بررسی شده است. بخش دوم تحقیق که با عنوان دامنه و گستره مبارزاتی امام در سه فصل ارائه شده، در واقع بیان‌کننده استراتژی مبارزاتی ایشان در یک فاصله زمانی از ابتدای ورود به میدان مبارزه تا تبعید به فرانسه است. گو اینکه در لابه‌لای سطور این بخش نیز از برخی تاکتیک‌ها و راهبردهای رهبری آن بزرگوار سخن به میان آمده است. بخش سوم نوشته نیز که در حقیقت هسته اصلی تحقیق را شامل



روزانه ۱۳۵۷: نوبل لوسوانه خمینی در یکی از جلوس‌های خود

می‌شود، در چهار فصل به توصیف، تبیین، تفسیر تاکتیک‌ها، راهکارها و راهبردهای مبارزاتی امام در چهار حوزه فرهنگ، سیاست، اقتصاد و عرصه نظامی پرداخته است. در پایان توجه و عنایت به چند نکته ضرورت دارد:

الف) در گام اول باید اذعان کرد که سخن گفتن از شخصیتی بزرگ و والا‌مقامی چون امام کاری دشوار است؛ زیرا نویسنده باید برای ترسیم زوایای مختلف شخصیت ایشان فراست و دقت فراوان باشد. حال اگر بخواهیم از شیوه مبارزه و تاکتیک مبارزاتی او سخن بگوییم، کار مشکل‌تر خواهد شد، زیرا تحلیل و تفسیر اعمال و رفتار حضرت امام(ره) نیازمند احاطه و تسلط بر علوم مختلف انسانی است و باید اعتراف کرد که هندسه شخصیتی و فکری و روحی ایشان معنای خاص و منحصر‌به‌فرد دارد که طرح و بیان و تأویل آن آسان نخواهد بود.

ب) نگارنده، خود اولین منتقد خویش است، زیرا بر این باور است که این نوشته در حد توان علمی و بضاعت فکلی و فکری او با فرست و امکانات اندک تهیه و تدوین شده است، لذا می‌تواند در فرصت‌های آتی با توجه و دقت بیشتر به نوشته بهتری تبدیل شود.

ج) در این نوشته از آثار و منابع و مأخذ زیادی استفاده شده که متعلق به افراد و گروه‌های اجتماعی از طیف‌های مختلف فکری و سیاسی بوده است. نگارنده نیز از اطلاعات و تحلیل‌های آنان تنها بر مبنای اصول علمی و اسلوب نوشتاری بهره برده است. این سخن به معنای آن است که استفاده موردی از کتب و مقالاتی که در اجاعات پایانی صفحه و کتابنامه از آنان نامی برده شده، به معنای تأیید تمام مطالب آن نوشته یا کتاب از سوی نگارنده این تحقیق نیست.

د) مخاطب نگارنده در این تحقیق همه گروه‌ها و اقلش اجتماعی بوده، لذا تاجیبی که امکان دارد تلاش شده است نوشته ثری ساده و روان داشته باشد و از استعمال کلمات و واژگان اختصاصی و فرنگی خودداری شود تا همه کسانی که به امام خمینی(ره) و اندیشه و آرمان ایشان عشق می‌ورزند، بتوانند از آن بهره ببرند.»

■ **سمانه صادقی**

همسان‌سازی نام رضاخان با ترقی و پیشرفت جامعه ایرانی در ابعاد گوناگون، از محورهای تبلیغاتی جریان رسانه‌ای ضدانقلاب به شمار می‌رود. با این همه برای جوانان جست‌وجوگر همچنان جای این پرسش باقی خواهد بود که **این دو چه نسبتی با یکدیگر دارند؟ در گفت‌ووشنودی که پیش روی شماست، علی‌اکبر زنجیر کرمانی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران به بازتحلیل این موضوع پرداخته است. امید آنکه تا ریح پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.**

■ ■ ■

**ابتدا بفرمایید آیا واقعاً آنطور که امروز عده‌ای وانمود می‌کنند رضاخان باعث پیشرفت کشور شد و ایران را از عقب‌ماندگی نجات داد؟ صاحب همه چیز بود؟**

به نام خدا. البته اول می‌گویند ایران را نجات داد بعد مدرن کرده، اما خیر. باورش سخت است ولی آنطور که در مورد لوله‌کنشی آپ در دوران رضاشاه می‌گویند نیست، در دوران رضاشاه حتی در کاخ پادشاه هم آب لوله‌کشی وجود نداشته و تحمیلات ابتدایی و نه دانشگاهی، در ایران یک مسئله لوکس بوده. این را من نمی‌گویم بلکه سفیر وقت آمریکا در ایران در گزارشش می‌نویسد که در دوران رضاشاه در ایران بهداشت وجود نداشته، تحمیلات در ایران یک امر لوکس به شمار می‌رفته و خیابان‌های تهران همه خاکی بوده‌اند. ولی با این حال عده‌ای همچنان می‌گویند رضاشاه ایران را مدرن کرد. از این عده باید پرسید مدرن شدن چه معنایی دارد؟ کلمات باید به خوبی معنی شوند. اینکه رضاشاه منع حجاب کرد و رسماً گفت کسی حق ندارد چادر سرش کند که عین جنایت و ضدیت با دین بود و بیرو آن چند زن ایرانی بی حجاب شدند، آیا مدرن شدن است؟ کماینکه مخبر السلطنه هدایت که شش سال و نیم‌نخست‌وزیر رضاشاه بود، تمام سیاست‌های این‌چنینی رضاشاه را که تحت عنوان مدرنیته در ایران



**«رضاخان و سراب پیشرفت همه‌جانبه ایران**

**در گفت‌وشنود «جوان» با علی‌اکبر زنجیر کرمانی**

# طبع رضاخان

# به «تمدن بلواری» متمایل بود

اجرا شد، نقد می‌کند و می‌گوید: «روزی به‌علیحضرت گفتم که این تمدن اروپا دو جور است، تمدن بلواری که زن و مرد خودشان را بیاریند و در بلوارها قدم بزنند و اختلاط کنند و تمدن لائبرتواری یعنی تمدنی که در کتابخانه‌ها و آزمایشگاه‌ها و دانشگاه‌ها هست. آن چیزی که به درد ما می‌خورد تمدن لائبرتواری است، ولی طبع شاه و اطرافیانش بیشتر به تمدن بلواری متمایل بود.» البته در چنین تمدنی هم آزادی‌های نفسانی فراوان است لذا مردم ظاهرین بیشتر آن را می‌پسندند. بخش اعظم این نوع‌نگرش هم در اثر تبلیغات مورخان موافق و قلم‌مزد رضاشاه و قاجاریه‌های مدافع نداشت، شکل گرفت. آنان پهلوی را آغازگر مدرنیسم و قاجاریه را مسبب عقب‌ماندگی ایران معرفی کردند به طوری که اگر الان من بگویم قاجاریه باعث عقب‌ماندگی ایران نبوده، بلکه وارث آن، به نظر خردم خیلی جرئت به خرج داده‌ام، من از قاجاریه دفاع نمی‌کنم، بلکه واقعیت‌ها را می‌گویم. به هر حال نتیجه این نوع تاریخ‌نگاری این می‌شود که یک نکته مغفول می‌ماند و براساس آن غفلت صورت می‌گیرد و تحلیل‌هایی ارائه می‌شود که همگی غیرواقعی هستند. از آنهایی هم که می‌گویند رضاخان شاه خوبی بود و باعث پیشرفت کشور شد، باید پرسید اگر رضاشاه آدم خوبی بوده و در جهت منافع ایران کار کرده، چرا وقتی شهرپور ۱۳۲۰ از ایران رفت، مردم ایران آنقدر از رفتنش خوشحال شدند.

**یعنی آنطور که وانمود می‌شود آپ تهران در دوران رضاخان لوله‌کنشی نشده است؟**

خیر. همانطور که اشاره کردم حتی کاخ خود رضاشاه هم آب لوله‌کنشی نداشته است. لوله‌کنشی آپ تهران از سال ۱۳۳۵ یعنی ۱۵ سال پس از به‌سلطنت رسیدن محمدرضا پهلوی و سه سال بعد از کودتای ۲۸ مرداد، آغاز شد. آب لوله‌کنشی اوایل دهه ۴۰ به محلات جنوبی تهران رسید. ناگفته نماند که مهندس مهدی بازارگان با آنکه از مخالفین رژیم پهلوی بود اما به‌خاطر آنکه لوله‌کنشی آب یک کار عام‌المنفعه بود قبول کرد مدیرعامل سازمان آب شود و پروژه لوله‌کشی آب

# عاریخ

کفت و گو: ۸۸۴۹۸۴۳۷

➤ **رضاخان در آغازین روزهای سلطنت در کاخ نمانان**

# د

**مخبرالسلطنه هدایت: «روزی به اعلیحضرت گفتم که این تمدن اروپا دو جور است؛ تمدن بلواری که زن و مرد خودشان را بیاریند و در بلوارها قدم بزنند و اختلاط کنند و تمدن لائبرتواری یعنی تمدنی که در کتابخانه‌ها و آزمایشگاه‌ها و دانشگاه‌ها هست. آن چیزی که به درد ما می‌خورد تمدن لائبرتواری است، ولی طبع شاه و اطرافیانش بیشتر به تمدن بلواری متمایل بود.»**

عشایر به بهانه برقراری امنیت در کشور بود. صورتی که تا پیش از روی کار آمدن رضاشاه با آنکه دولت مرکزی ما چندان قوی نبود و ایلات و عشایر ایران مسلح بودند، هیچ‌گاه در میان عشایر تمایلات گریز از مرکز و شورش وجود نداشت. سران عشایر با دولت مرکزی در تماس و تعامل بودند و مالیات پرداخت می‌کردند و از طرف همان حکومت مرکزی حاکم و ایلخان آن عشایر بودند. وقتی هم دولت مرکزی بر رئیس ایل دستور می‌داد که موضوع را حل و فصل کند، قضیه حل می‌شد. درواقع امنیت را هم همین قشر در کشور برقرار می‌کردند. اگر کالایی وارد کشور می‌شد بدون کوچک‌ترین آسیبی از همین مناطق عشایری عبور می‌کرد اما همین عشایر پس از به سلطنت رسیدن رضاشاه به بهانه برقراری امنیت و وحشیانه عمل کردند که عده بسیاری از زنان و عشا‌یر نیروهای ارتش نوین رضاشاه آنچنان کودک‌ناب تلف شدند. اگر کتاب «قاضی داگلاس» را بخوانید گریه خواهید کرد. همین ارتش نوین رضاشاه چون نتوانست لره‌ای بیروناند را شکست دهد، درنهایت با حقه و نیرنگ و مهر کردن قرآن سسران ایل را به خرم‌آباد آورد و ناجوامردانه به دار کشید. فرزندانشان را هم برای آن که بعدها به دنبال ریاست ایل نیفتند برای تماشای به دار آویخته شدن پدرانشان برده بودند. درواقع کوچ و اسکان ایلات و عشایر به دستور رضاشاه بدون هیچ مطالعه جامعه‌شناسی و با قتلری انجام شد بدون آنکه در نظر گرفته شود این مردم که نسل‌ها کارشان دامپروری بوده آیا کنوا‌زی می‌دانند؟ برای همین هم این طرح موفق نند و تا این مردم چشم‌دولت را دور می‌دیدند دوباره به کوه‌ها پناه می‌بردند. نمونه‌اش بعد از شهریور ۱۳۲۰ که بسیاری از ساکنان اسکان اجباری، محل‌های خود را تخلیه کردند و رفتند.

از طرفی این چه جور امنیتی است که در خانه‌ات نشست‌های و ابلاغیه می‌آید که آقای فلانی چون مقرر است که شما از املاک خود در فلان قریه یا منطقه، قطع‌علاقه نمایید، لذا در فلان روز در دادگاه یا محضر حاضر بشوید و صلح‌نامه بنویسید. درواقع رضاشاه نه تنها به دنبال برقراری امنیت نبود بلکه یک دزد به تمام معنا بود. این فرد وقتی کودتا کرد، یک خانه اجاره‌ای در چهارراه حسن‌آباد داشت، اما وقتی پایش را از ایران بیرون گذاشت، فقط ۶۸ میلیون تومان در حساب بانک ملی و ۲۰۰ میلیون دلار در بانک‌های آمریکا و انگلستان و کانادا پول داشت که نهایتاً هم معلوم نشد بر سر این پول چه آمد. درواقع رضاشاه این اموال را از مصادره اموال، املاک، باغ‌ها و خانه‌های مردم و سران عشایر به دست آورده بود.

**یکی دیگر از مسائلی که این روزها بسیار در مورد آن صحبت می‌شود، حفظ تمامیت ارضی ایران توسط رضاخان است؛ این مسئله چقدر به واقعیت نزدیک است؟**

این هم یکی دیگر از باورهای غلط است که در میان مردم جا انداخته‌اند. بله در دوره قاجار بخش‌های زیادی از کشور همچون ۱۰۰ شهر قفقاز از ایران جدا شدند، اما جایی این شهرها در بی و جنگ بزرگ رخ داد که حدود ۱۰۰ سال طول کشید، اما رضاشاه بخش‌های زیادی از سرزمین ایران را بر این تعداد زیادی مدرسه‌های وابسته به گروه‌های مسیونتری و تبشیری امریکایی‌ها، فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها در گوشه و کنار ایران دایر بوده است. درواقع ایران هر حالتی قبل از کودتای ۱۲۹۹ داشته، بعد از کودتا هم داشته و این امنیت نرمال قبل از رضاشاه هم در ایران بوده است.

**رضاخان پایه‌گذاری کرده است؟**
امروز هم یکی دیگری از دروغ‌هایی است که برخی از سلطنت‌طلبان جا نمانده‌اند. درواقع وقتی دروغی بارها تکرار می‌شود جامی افتد. تشکیل ارتش نوین ربطی به رضاشاه ندارد بلکه مرحوم عباس میرزا قاجار، سپهسالار ایران در جنگ‌های ایران و روس ۹۰ سال قبل از رضاشاه، ضرورت تأسیس ارتش نوین را تشخیص داد و ارتش نوین ایران را براساس الگوهای اروپایی در زمان فتحعلی‌شاه تشکیل داد.

قشونی که رضاشاه در آن عضو بود و در آن به درجه سرتیپی رسید، بازمانده همان ارتش نوین دوره قاجار بود. رضاشاه فقط نام این نیروی نظامی را عوض کرد. توسعه ارتش توسط رضاشاه هم امری طبیعی بود، هر حکومت دیگری که بر سر کار می‌آمد هم همین کار را می‌کرد. و نوق الدوله هم قرارداد ۱۹۱۹ را در جهت نظم دادن به کشور با انگلستان منعقد کرد. عمده فعالیت ارتش نوین رضاشاه سرکوبی



# ۹

مدرک پزشکی عمومی می‌گرفتند و برای دیدن دوره‌های تخصصی به خارج از کشور می‌رفتند. در دارالفنون هم رشته‌های مهندسی معدن و مهندسی شیمی داشتیم. در آن دوران مدرسه عالی فلاحت یعنی دانشگاه کشاورزی هم بود اما آنقدر گفته‌اند رضاشاه دانشگاه را تأسیس کرده که همه مردم ایران تصور می‌کنند تا قبل از او، آموزش عالی در کشورمان وجود نداشته. در حالی که در سال ۱۳۱۳ فقط به دستور رضاشاه مدرسه عالی طب، دانشکده فنی، مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی که توسط مظفرالدین‌شاه تأسیس شده بود، مدرسه عالی تجارت، دانشکده ادبیات و دانشکده علوم که در آن فیزیک، شیمی، ریاضیات، زیست‌شناسی و… تدریس می‌شد و از دانشکده‌های دارالمعلمین عالی (دانشگاه خوارزمی) بود و مدرسه صنایع ظریفه، تحت یک نام واحد به نام دانشگاه جمعیع و اسم آن دانشگاه تهران شد. در واقع در دوره رضاشاه تنها کلمه دانشگاه ابداع شد و تا چند سال کما‌فی‌السابق دانشگاه‌ها در همان ساختمان‌های قدیمی خود به فعالیتشان ادامه دادند، چون ساخت دانشگاه تهران در اراضی جلایله زمان بسیاری برد.

**یکی دیگر از موضوعاتی که همیشه با نام رضاخان همراه بود، احداث راه‌آهن در ایران است. ایرانیان تا پیش از این دوره چقدر با این پدیده آشنایی داشتند و تا چه اندازه احداث راه‌آهن در کشور به رضاخان منسوب است؟**

همواره درباره این مسئله طوری صحبت می‌شود که گویی بیش از رضاشاه در ایران اصلاً و ابداً راه‌آهن وجود نداشته است، در حالی که قبل از سلطنت رضاشاه در استان‌های مازندران، گیلان، آذربایجان، تهران، سیستان و بلوچستان و فارس راه‌آهن‌های کوتاه وجود داشت. مثلاً اندکی قبل از آمدن رضاشاه، بین تبریز و جلفا با کمک روس‌ها راه‌آهن کشیده شد و مخبرالسلطنه هدایت، والی آذربایجان آن را افتتاح کرد. انگلیسی‌ها هم در سیستان و بلوچستان راه‌آهن میرجاوه – زاهدان و در شیراز راه‌آهن کازرون – شیراز را ساخته بودند. دولت وقت هم به وسیله یک کمپانی اروپایی یک راه‌آهن ساخته بود که شهر ری را به تهران وصل می‌کرد. در مازندران و گیلان نیز بخش خصوصی راه‌آهنی درست کرده بود. در واقع فکر تأسیس راه‌آهن به سال‌ها قبل از رضاشاه برمی‌گردد و ایران از دوره ناصرالدین شاه به دنبال ساخت راه‌آهن سراسری بوده و بارها تا مرز عقد قرارداد هم پیش رفته بود، حتی نقشه آن هم تا حدودی شبیه همین راه‌آهن سراسری فعلی و به وسیله مهندسان امریکایی تنظیم شده بود، اما همان سیاست‌هایی که بعدها به رضاشاه کمک کردند راه‌آهن سراسری ایران ساخته شود، در دوران قبل مانع از عقد قرارداد شدند. آخرین طرح و برنامه راه‌آهن به مرحوم ضعیبالدوله، اولین رئیس مجلس شورای ملی و برادر حاج مخبرالسلطنه هدایت مربوط می‌شود. درواقع آنچه در زمان رضاشاه اتفاق افتاد، تحقق یک تلاش و آرزوی دریرینه در جریان و به کنار گذاشته شده بود، بالاخره ساختن کار خوبی است و این را هم نمی‌شود منکر شد که این ساختن در زمان رضاشاه صورت گرفته ولی وقتی در گوشه و کنار کشور راه‌آهن وجود داشته است، چه دلیلی دارد که بگویید رضاخان در ایران راه‌آهن ساخت، در حالی که علاوه بر وجود راه‌آهن و دبیرستان دخترانه، آزادی مطبوعات و آزادی احزاب نیز پیش از رضاشاه در کشور وجود داشت و کم‌کم داشت مدرنیسم واقعی در ایران اتفاق می‌افتاد. از آن گذشته پادشاه کشور مشروطه را چه به این کارها، رضاشاه چه حقی داشت که راه‌آهن بسازد؟ چون شاه در قانون اساسی مشروطه کارهای نیست که بخواهد راه‌آهن یا دانشگاه بسازد. مثل این است که بگوییم ملکه انگلستان نیروی دریایی انگلستان را ترقی داد، به آدم می‌خندند. رضاشاه چه کاره بود که در ایران راه‌آهن بسازد؟

**وجود آزادی و پیشرفت در ایران پیش از رضاخان حاصل مشروطیت بود؟**

قطعاً همین‌طور است. بعد از انقلاب مشروطه دولت به هرج و مرج بعد از مشروطیت یک به یک فاتق آمده بود و اوضاع داشت کم و بیش مشکل می‌گرفت که جنگ جهانی شروع شد و قوای عثمانی، روسیه و انگلستان به داخل ایران ریختند، در حالی که ایران اعلام بی‌طرفی کرده بود و این جنگ هم جنگ اروپا بود. بعد هم قطعی سراسری ایران را فراگرفت. دولت مرکزی دائماً گرفتار مشکلات روزمره بود، اما مردم واقعاً تلاش می‌کردند کشور را آماده کنند. مثلاً محمدعلی شاه که فرار کرده بود وقتی با حمایت روس‌ها برگشت، مردم سرکوبش کردند. برادرش را هم که در غرب ایران سر بلند کرده بود سرکوب کردند. گردنشان محلی هم یکی یکی سرکوب می‌شدند مثل شاه‌الله‌خان کاشی و نایب حسین کاشی که اعدا‌م‌دند. در واقع پس از مشروطیت کشور داشت کارهایش را پیش می‌برد و اگر کودتا نمی‌شد مردم به تدریج راه خودشان را به طرف مدرنیزاسیون درست پیدا می‌کردند اما رضاخان آمد و سد راه آزادی و مدرن‌سازی شد و کاریکاتور مدرنیزاسیون را به جای مدرنیزاسیون واقعی در ایران پایه‌ریزی کرد و در نتیجه ایران ۱۵۰ سال عقب رفت. مشروطیت مهم‌ترین دستاورد مدرن‌سازی ایران بود که رضاخان آن را متوقف کرد.

**با تشکر از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید.**